

نگاهی از چند سو به
دانشنامه‌نگاری

سرشناسه: آذرنگ، عبدالحسین، ۱۳۲۵ -
عنوان و نام پدیدآور: نگاهی از چند سوبه دانشنامه‌نگاری/ عبدالحسین آذرنگ.
مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری: ۱۷۴ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۴-۰۴۵۴-۵
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
موضوع: دایرةالمعارف‌ها و واژه‌نامه‌ها - نویسندگی
موضوع: Encyclopedias and dictionaries -- Authorship
رده‌بندی کنگره: PN۲۳۹
رده‌بندی دیویی: ۸۰۸/۰۶۶۰۳۹
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۸۹۲۵۴۴۳

نگاهی از چند سو به
دانشنامه نگاری

عبدالحسین آذرنگ





انتشارات قنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای زاندارمیری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶

ویرایش، آماده‌سازی و امور فنی:

تحریریه انتشارات قنوس

* * *

عبدالحسین آذرنگ

نگاهی از چند سو به

دانشنامه نگاری

چاپ اول

۵۵۰ نسخه

۱۴۰۱

چاپ پارمیدا

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸ - ۶۲۲ - ۰۴ - ۰۴۵۴ - ۵

ISBN: 978 - 622 - 04 - 0454 - 5

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

فهرست

- یادداشت آغازین ۷
۱. چند نکته بنیادی درباره دانشنامه ۱۱
۲. دانشنامه و دانشنامه‌نگاری: اشاره تاریخی ۲۱
۳. دانشنامه و یکی پدیا؛ گنجینه ای برای انواع استفاده‌ها و سوء استفاده‌ها ۳۳
۴. دانشنامه‌نگاری در ایران؛ و منافع ملی و مصالح علمی-فرهنگی ۴۹
۵. آسیب شناسی دانشنامه‌نگاری؛ علت‌های ناکامیابی، نیمه کاری و ناتمامی شماری از دانشنامه‌ها ۵۹
۶. مقایسه دو دانشنامه؛ کوششی ناموفق و کوششی موفق ۷۱
۷. ویرایش در دانشنامه‌های فارسی ۷۹
۸. گفتگو درباره جنبه‌هایی از دانشنامه‌نگاری ۱۰۳
۹. نکته‌های فرجامین ۱۵۹
- نمایه ۱۶۹

یادداشت آغازین

این کتاب حاوی هشت مطلب و دو گفتگوی بلند دربارهٔ مسائل و جنبه‌هایی از دانشنامه / دایرةالمعارف و دانشنامه‌نگاری است. سه مطلب از این مجموعه پیش‌تر منتشر شده که همراه با تغییرها و کاسته و افزوده‌هایی در این مجموعه آمده است و دیگر مطالب برای نخستین بار انتشار می‌یابد.

دانشنامه‌نگاری به شیوهٔ جدید در ایران امروز بیش از چند دهه پشتوانهٔ تجربی دارد. چندین دانشنامه هم انتشار یافته است که نشان‌دهندهٔ توان کشور در تدوین و انتشار دانشنامه بر پایهٔ ضوابط و معیارهای دانشنامه‌نگاری است. نسلی از دانشنامه‌نگاران تجربه‌اندوخته و روش‌آموخته، به‌رغم کمبودها و مانع‌ها بر سر راه خود، به‌خوبی می‌توانند در تدوین و انتشار دانشنامه‌های مختلف، اعم از همگانی / عمومی و تخصصی / موضوعی، توان لازم را نشان دهند. مهارت در دانشنامه‌نگاری، افزون بر داشتن ارزش‌های فی‌نفسه، همانند مهارت در تدوین و انتشار سایر منابع مرجع، قابلیت‌های تبدیلی هم دارد. اگر سیاست‌های سنجیده‌ای بر روند تکوین منابع مرجع حاکم شود، حتی به‌رغم کاهش چشمگیر انتشار دانشنامه‌ها بر اثر دشواری‌هایی مانند کمبود منابع مالی، از این مهارت‌ها

می‌توان در تولید و انتشار بسیاری منابع سود جست، منابعی که در خدمت آموزش، پژوهش، اطلاع‌رسانی و ارتقای فرهنگ عمومی باشد. از همین روست که در بحث‌های مختلف این کتاب بر ضرورت تدوین سیاست و برنامه دانشنامه‌نگاری در مقیاس ملی بارها تأکید شده است. در دو گفتگوی بلند در این مجموعه، پرسش و پاسخ‌ها درباره جنبه‌های مختلف دانشنامه‌نگاری است. شاید بسیاری، یا شماری، از پرسش‌ها بازتاب نکته‌های مجهولی باشد که کم‌وبیش در جامعه مطرح است. پاسخ به پرسش‌ها اساساً بر تجربه شخصی چند دهه دانشنامه‌نگاری نویسنده این کتاب مبتنی است. محتوای این دو گفتگوی بلند به اقتضای گفتگوی زنده، به‌ویژه با شماری از روزنامه‌نگاران و دانشجویان، با زبانی ساده‌تر و دور از اصطلاحات و تعبیرهای فنی بیان شده است و به همین سبب شاید برای دانشجویان و نیز آن دسته از پژوهشگرانی قابل استفاده باشد که در مراحل آغازین دانشنامه‌نگاری هستند و به شناخت تجربه‌ها نیازمندند.

تکرار برخی مضمون‌ها و نکته‌ها در مجموعه‌ای که اجزای آن در زمان‌ها، مکان‌ها و به مناسبت‌های مختلف نوشته شده، ولو با بیان و با تعبیرهای کم‌وبیش متفاوت، معمولاً اجتناب‌ناپذیر است. ساختار نوشته برخی تکرارها را ایجاب می‌کند. در این کتاب در حد امکان کوشش شده است، تا جایی که به ساختار مطلب خللی راه نیابد و رشته بحث نگسلد، نکته‌های تکراری حذف شود.

دانشنامه‌ها، چه کاغذی، چه الکترونیکی، چه تکرسانه‌ای و چندرسانه‌ای، و چه گونه‌های دیگر، همان‌طور که در چند جای این کتاب تأکید شده است، ناگزیرند در وضعیت امروز به عامل‌های سرعت و سهولت بازشناسی و بازیابی اطلاعات توجه کنند. به‌رغم نظر عده‌ای که تصور می‌کنند با گوگل کردن و از راه شبکه‌ها و وبگاه‌ها می‌توانند به اطلاعات

دلخواه دست بیابند و در نتیجه نیازی به دانشنامه نخواهد بود، روندها نشان می‌دهد که هرچه بر میزان و حجم اطلاعات تولیدشده در جهان افزوده شود، به همان نسبت، و چه بسا بیشتر، به بررسی، واکاوی، ارزیابی و سرند اطلاعات نیاز هست. همپای روند رشد اطلاعات، روند تدوین و انتشار منابع مرجع به گونه‌ها و در قالب‌های مختلف، و نیز دانشنامه‌ها، که حامل اطلاعات بررسی‌شده قابل اطمینان و استناد هستند، افزوده خواهد شد. هیچ پژوهشگری، هیچ اطلاع‌جو و خواننده آگاهی، به اطلاعی که فقط از راه گوگل کردن به دست آمده باشد اعتماد نخواهد کرد.

گذشته از این جنبه‌ها، دانشنامه‌ها به‌سان نمادهای هویت ملی و فرهنگی هر کشوری هستند، در کنار سایر نمادهای هویتی. دانشنامه‌ها می‌توانند بازنمای سطح فرهنگی، تسلط علمی، پژوهشی، روشی، توان فنی و هنری، و نیز گواه مشارکت همه کسانی باشند که در عرصه‌های ملی، علمی و فرهنگی توان تولید و سخنی برای گفتن دارند. جامعه و فرهنگ ما در سطوح و برای کاربردهای مختلف، از یک سو به گونه‌های مختلف دانشنامه نیازمند است و از سوی دیگر اکنون و بالقوه در موقعیتی است که می‌تواند تولیدکننده منابع مرجع و دانشنامه‌هایی باشد که اصول، موازین، معیارها، فنون و هنرهای تدوین و ارائه در آن‌ها مراعات شده باشد. با تدوین، تصویب و اجرای سیاست‌های دانشنامه‌نگاری متناسب با زمان و مکان، تبدیل کردن امکانات بالقوه به واقعیت‌های بالفعل، گامی بلند در عرصه غنا و شکوفایی فرهنگی و علمی جامعه ما برداشته خواهد شد، با امید.

در پایان از واحد تحریریه انتشارات ققنوس برای آماده‌سازی کتاب، از مهناز مقدسی و لیلا زارع برای تدوین و تنظیم متن گفتگوهای بلند کتاب، سپاسگزاری می‌کنم.

ع.آ.

تهران، تابستان ۱۴۰۱

چند نکته بنیادی درباره دانشنامه

دانشنامه / دایرةالمعارف^۱ یکی از گونه‌های منابع مرجع است و از این رو تعریف عمومی این دسته از منابع درباره آن صادق است، اما تعریف خاص دانشنامه به توضیح نیاز دارد که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

بر پایه تعریفی که فرهنگ‌های معتبر از منبع مرجع به دست می‌دهند، مانند فرهنگ‌های آکسفورد، وبستر و نظایر آن، و نیز تعریف منابع مرجع‌شناسی، کتاب‌های مرجع به قصد مراجعۀ جویندگان و علاقه‌مندان برای آگاه شدن از نکته، داده، یا اطلاعی خاص، یا گرفتن پاسخی دقیق به پرسشی معین تدوین و منتشر می‌شوند، نه برای این‌که از سر تا ته خوانده شوند. از این رو، اصل سرعت و سهولت در بازیابی محتویات آن‌ها مراعات می‌شود. منابع مرجعی که از سوی ناشران معتبر و با همکاری افراد عالم، پژوهشگر، مطمئن، مطلع، روش‌دان، دقیق و بی‌طرف تدوین و منتشر می‌شوند، منابع کسب کردن اطلاعات موثق و قابل استناد به شمار می‌آیند، چه در عرصه‌های پژوهشی و آموزشی و چه برای کاربردهای عمومی.

گونه‌های اصلی منابع مرجع این‌ها هستند: کتاب‌شناسی‌ها، نمایه‌نامه‌ها، چکیده‌نامه‌ها، آمارنامه‌ها، راهنماها، اطلس‌ها، نقشه‌ها، سالنامه‌ها،

1. encyclopedia

گاهنامه‌ها، واژه‌نامه‌ها، فرهنگ‌ها، اصطلاح‌نامه‌ها، دستنامه‌ها و دانشنامه‌ها. دانشنامه، یکی از گونه‌های منابع مرجع، معمولاً به شیوه‌ای سازمان داده می‌شود که اطلاعات ارائه شده زیر هر مدخلی، چه به صورت توضیحات کوتاه و چه به صورت مقاله‌های نیمه‌بلند، بلند یا حتی بسیار بلند، دربارهٔ یک موضوع مشخص باشد. محتوای دانشنامه بر پایهٔ این‌که از چه نوع موادی، مانند متن، نماد، نشانه و جز آن تشکیل شود و برای چه کاربردهایی و چه نوع مخاطبانی مناسب‌تر باشد، به گونه‌های مختلف، الفبایی و غیرالفبایی، تنظیم می‌شود.

به دانشنامه‌ای معتبر می‌گویند که افزون بر مراعات شدن قاعده‌ها و اصول دانشنامه‌نگاری در آن، از اصل دقت، صحت، بی‌طرفی، نظم، روش، سادگی، سلامت زبان و بیان، و نیز مراعات کردن مجموعه‌ای از نکته‌های فنی پیروی کرده باشند. دانشنامهٔ معتبر محصول نتایج پژوهش‌ها و بررسی‌های دقیق، و به قلم مؤلفان صاحب صلاحیت است. هیچ دانشنامه‌ای پایان راه نیست، بلکه آغاز شناختن، دانستن، و شروع بررسی‌های بیشتر و پژوهشی است. برای مثال، کسی که عازم سفر به جایی ناشناخته است - ناشناخته از نظر او - به اطلاعات، نقشه و داده‌های لازم دیگری نیازمند است. او ناگزیر است این‌ها را بجوید، بیابد و به راهنمایی آن‌ها سفرش را آغاز کند. ارائهٔ اطلاعات دقیق و مطمئن و وظیفهٔ اصلی همهٔ دانشنامه‌ها در همهٔ حوزه‌ها و سطوح است.

شماری از دانشنامه‌ها فقط دربارهٔ موضوع مد نظر اطلاع می‌دهند، اما شماری دیگر منابع آن موضوع را هم معرفی، و بعضی از آن‌ها منابع دیگری را برای مطالعه و بررسی‌های بیشتر پیشنهاد می‌دهند. در دانشنامه‌های تخصصی به‌ویژه این‌گونه منابع است که پژوهشگر را به سمت اطلاعات بیشتر و تخصصی‌تر هدایت می‌کند. از این رو، همهٔ دانشنامه‌ها مناسب‌ترین منبع برای آغاز راه آشنا شدن، شناختن، دانستن و پژوهش کردن هستند.

در کلی‌ترین تقسیم‌بندی، دانشنامه‌ها بر پایه دامنه، موضوع، مخاطب و کاربرد به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند:

۱. همگانی / عمومی؛

۲. تخصصی.

بر پایه رسانه‌ای که دانشنامه‌ها از طریق آن منتشر می‌شوند، به دو دسته دیگر هم تقسیم می‌شوند:

۱. کاغذی (در نظر داشته باشیم که پس از رواج یافتن نشر الکترونیکی از مدت‌ها پیش، کمتر دانشنامه‌ای به صورت کاغذی منتشر می‌شود، مگر بنا به درخواست خریداران منابع کاغذی).

۲. الکترونیکی (که مدام بر شمار آن‌ها افزوده می‌شود، به‌ویژه به دلایل کاربردی، فنی و اقتصادی در دنیای شبکه‌ای، دیجیتال و بی‌مرز و جهانی شده امروز).

کاربرد دانشنامه‌های همگانی برای همه کسانی است که توان خواندن و دریافتن محتوای آن را داشته باشند. در جامعه‌هایی که نرخ باسوادی و کتاب‌خوانی بالا باشد، کاربرد دانشنامه‌های همگانی هم بیشتر است. محتوای این دانشنامه‌ها را اطلاعات گسترده و فراوانی درباره موضوع‌ها و مبحث‌های مختلف، اما مرتبط با هم، تشکیل می‌دهند. نمونه خوب دانشنامه همگانی در زبان فارسی دایرةالمعارف فارسی (به سرپرستی غلامحسین مصاحب)، و دانشنامه‌های آمریکانا، اینکارتا، بریتانیکا (در زبان انگلیسی)، لاروس (در زبان فرانسوی)، بروکهاوس (در زبان آلمانی) و دانشنامه‌های دیگر به زبان‌های مختلف است، مانند ایتالیانا، ایندیکا، جودایکا، چاپانیکا و جز آن. حجم مقاله‌ها و شمار واژه‌های آن‌ها در همه دانشنامه‌ها یکسان نیست و به سیاست دانشنامه‌ها و شمار مجلدات آن‌ها بستگی دارد. از این روست که شمار مقاله‌های لاروس بسیار، اما شمار واژه‌های مقاله‌های آن کم است.

دانشنامه‌های الکترونیکی محدودیت حجم، جلد، جا و فضا ندارند و در عین حال امکان روزآمد کردن، تجدیدنظر، تصحیح و تکمیل هم در آن‌ها هست و به سبب برخورداری از این امتیاز، از قید محدودیت‌های دانشنامه‌های کاغذی رها شده‌اند. دانشنامه‌ای مانند ویکی‌پدیا - جدا از هر گونه ارزش‌گذاری درباره محتوای مقاله‌ها و بحث درباره کیفیت آن‌ها - به اقیانوس بی‌کرانه‌ای می‌ماند که معلوم نیست شمار واژه‌های آن به چه رقم نجومی سر خواهد زد. چندین و چند دانشنامه الکترونیکی دیگر همین افزایش تصاعدی مقاله‌ها و واژه‌ها را دارند و در عین حال روزبه‌روز هم بر شمار آن‌ها افزوده می‌شود.

بررسی نشان می‌دهد که سیر عمومی دانشنامه‌نگاری در جهان، به‌ویژه در کشورهایی که نشر توسعه‌یافته دارند، به این سمت است که همه دانشنامه‌های الکترونیکی، و نیز دانشنامه‌های کاغذی الکترونیکی شده، به کمال هدف‌های اصلی خود دست بیابند و دامنه موضوعی‌شان محدودیت‌های پیشین را نداشته باشد. این دانشنامه‌ها می‌خواهند با آخرین دانسته‌ها و یافته‌های جهان علم و پژوهش همپا و هماهنگ باشند؛ جز این اگر باشد، در عصر رقابت‌های شدید رسانه‌های اطلاع‌رسان، بی‌تردید مخاطبان و کارکرد خود را در دنیای امروز از دست خواهند داد و حاصل تلاش‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها و صرف وقت سالیان بر باد خواهد رفت. تلاش برای روزآمد شدن و همگام شدن با تحولات و ضرورت‌های زمان، در بازاندیشی و بازآرایی این دانشنامه‌ها آشکار است.

دانش بشر در همه عرصه‌ها و زمینه‌ها با سرعت بی‌سابقه‌ای در تاریخ و با رشد تصاعدی در افزایش است. داده‌ها و یافته‌ها با آهنگی شتابناک در حال تغییرند. حجم اطلاعاتی که امروز در سراسر جهان و به‌ویژه در کشورهای توسعه‌یافته پسا صنعتی و جامعه‌های پسامدرن تولید می‌شود، به حدی افزایش یافته است که از آن با عنوان‌هایی مانند پدیده «انفجار اطلاعاتی»، «آتش‌فشان اطلاعاتی»، «بهم‌ن اطلاعاتی»، «آوار اطلاعاتی»،

«سیل اطلاعاتی» و نظایر آن یاد می‌شود. منحنی صعودی اطلاعات به اصطلاح ریاضی «منحنی نمایی» است. گردش، سیر، چرخه و بازتولید اطلاعات آن قدر شتاب گرفته که سازماندهی و مدیریت منحنی نمایی اطلاعات با چنین شیب تندی به یکی از خطرترین وظایف امروز تبدیل شده است، به‌ویژه وظایف همه نهادهایی که عهده‌دار مدیریت علم، دانش و اطلاعات هستند، و نیز سازماندهی و خدمات وابسته به کاربرد آنها. تلاش‌ها برای افزودن بر ظرفیت و سرعت رایانه‌ها، همراه با کوشش در راه ارتقای روش‌های شناخت، انباشت، بازیافت، سازماندهی و هدایت اطلاعات به سمت نقاط مناسب کاربرد آن، همه در جهت رویارویی با این پدیده عجیب و سرکش، و شاید گاه لگام‌گسیخته و زنجیرپاره کرده، و مهار کردن و مدیریت آن است.

عده‌ای در نوشته‌هایی این‌گونه نظر داده‌اند و می‌دهند که در دنیای اطلاعاتی امروز با گوگل کردن و دست یافتن سریع به اطلاعات از راه اینترنت و شبکه‌های مختلف، دیگر به تدوین دانشنامه‌ها و گونه‌های دیگر منابع مرجع نیازی نیست. این نظر قطعاً نادرست و حتی تحریف واقعیت است. اطلاعات موثق، مطمئن و قابل استناد جز از راه بررسی‌های دقیق و پژوهش نه به دست می‌آید و نه تأیید می‌شود. هرچه پژوهش‌ها عمیق‌تر و گسترده‌تر شوند، به همان نسبت، و چه بسا بیشتر هم، نیاز به اطلاعات قابل اطمینان و استناد افزایش می‌یابد. بنا به همین نیاز مبرم است که نه فقط از شمار منابع مرجع کاسته نخواهد شد، بلکه بر تعداد، بر تنوع، بر شیوه‌های تنظیم و تدوین، و نیز بر راه‌های بازیابی اطلاعات آنها افزوده خواهد شد. دانشنامه‌ها، چه همگانی و چه تخصصی، به عنوان منابع مرجع، ناگزیرند داده‌ها و یافته‌های جدید را در قالب اطلاعات موثق بازتاب دهند؛ نیز ناگزیرند در وضعیت امروز به عامل‌های سرعت و سهولت بازشناسی و بازیابی اطلاعات توجه کنند.

الکترونیکی و دیجیتالی شدن، روزآمد شدن و بازنگری مستمر در محتوا، هم ضرورت و هم شرط اصلی بقا و تداوم دانشنامه‌هاست.

هیچ دانشنامه معتبری را نمی‌توان مثال آورد که سیاست دانشنامه‌نگاری خاصی بر آن حاکم نباشد، یا بدون برنامه و مشی به کار خود ادامه دهد. همه این دانشنامه‌ها هدف‌های مشخص و تعریف شده‌ای دارند، مخاطبان و کاربردهای خود را می‌شناسند، بازخوردها و واکنش‌ها را بررسی می‌کنند و بر پایه آن‌ها راه، مسیر، شیوه عمل، چگونگی ارائه و نظیر این‌ها را جرح و تعدیل، اصلاح و تکمیل می‌کنند.

اطلاعات و محتوای دانشنامه به شیوه‌های مختلف تنظیم می‌شود. این شیوه‌ها بر پایه سیاست‌ها و برنامه‌های دانشنامه‌هاست. ممکن است بر پایه نظم الفبایی باشد، یا موضوعی، مبحثی، مقوله‌ای، تاریخی / سنوی، یا بر اساس واحد جغرافیایی (جهانی، قاره‌ای، منطقه‌ای، کشوری، ناحیه‌ای، محلی، نقطه‌ای)، یا واحد و ترکیب جمعیتی، ملی، نژادی، قومی، طایفه‌ای، گروهی، دسته‌ای، و جز آن؛ ممکن است دانشنامه تک‌رسانه‌ای باشد یا چندرسانه‌ای؛ مصور (داشتن تصویر) و تصویری (همپا و هم‌تراز بودن متن و تصویر) باشد یا متن ساده و بدون تصویر؛ یا تعاملی (امکان ارتباط کاربران و واکنش و بازخورد آن‌ها) باشد یا غیرتعاملی (انتقال یک سویه پیام)؛ ممکن است ارجاعی باشد (به منابعی یا وبگاه‌های غیر از خود ارجاع بدهد) یا غیرارجاعی، و نیز شیوه‌های دیگر.

ساده‌ترین و رایج‌ترین شیوه تنظیم محتوای دانشنامه‌ها نظم الفبایی است، اما نمی‌توان این شیوه را تعمیم مطلق داد. برای مثال، ممکن است بررسی‌ها نشان دهد که بهتر و کاربردی‌تر است دانشنامه جغرافیایی مربوط به یک ناحیه بر پایه تقسیم‌بندی خاص جغرافیایی همان ناحیه تنظیم شود، نه بر اساس الفبای عنوان مقاله‌ها؛ یا موضوع دانشنامه روش پدیدارشناختی را بیشتر اقتضا کند تا روش‌های دیگر را. بنابراین،

تصمیم‌گیری مناسب در باب شیوه تنظیم محتوای دانشنامه و ارائه آن، بر پایه شناخت مطالعه‌شده و مناسب مخاطبان و کاربردهای عملی دانشنامه است. هر جامعه‌ای با توجه به مسائل بومی خود و ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی، نیازهای آموزشی و پژوهشی، و نیز نیازها و ضرورت‌های دیگر، بهتر می‌تواند در باب شیوه تنظیم و ارائه اطلاعات دانشنامه‌ای تصمیم بگیرد. کسانی که توصیه‌های مطلق می‌کنند، تنوع‌ها و تکررها را نادیده می‌گیرند. این‌گونه غفلت‌ها کاربردها را در عمل دشوار خواهد کرد.

در ایران امروز تدوین و انتشار دانشنامه‌ای همگانی و نیز شمار زیادی دانشنامه تخصصی در رشته‌های مختلف، به‌ویژه رشته‌هایی که دوره‌های عالی آموزشی آن‌ها در دانشگاه‌های کشور دایر است، ضروری به نظر می‌رسد؛ البته با شرایطی که ضمن مطالب بعدی این کتاب توضیح داده خواهد شد. با تجربه‌ای که در دهه‌های اخیر در زمینه دانشنامه‌نگاری اندوخته شده، تدوین دانشنامه‌های همگانی و تخصصی امکان‌پذیر است. در چند دانشنامه فارسی‌زبان، که مجلداتی از آن‌ها انتشار یافته و کاربرد سودمندشان در عمل به اثبات رسیده، نسلی پرورش یافته است که با ظرایف و فنون دانشنامه‌نگاری آشنا شده‌اند. مانع اصلی بر سر این راه نبودن سیاست‌ها و برنامه‌های مطالعه‌شده، آینده‌نگرانه و مدون دانشنامه‌نگاری، حمایت مالی و برخی مشکلات دیگر بر سر راه تدوین و نشر آن‌هاست، چه نشر کاغذی و چه نشر الکترونیکی؛ البته دشواری نشر الکترونیکی به مراتب کمتر است و روند دانشنامه‌نگاری هم، همان‌طور که اشاره شد، اساساً به سمت پرهیز از نشر کاغذی است.

توازن میان نسبت تألیف و ترجمه در مقاله‌های دانشنامه‌ای، از جمله مسائل بحث‌انگیز است. عده‌ای موافق تألیف مطلق، شماری مایل به ترجمه مطلق، و کسانی هم طرفدار تألیف و ترجمه، یا تلفیق و ترکیب این دو هستند.

واقعیت چیست؟ تجربه سال‌های مدید دانشنامه‌نگاری این درس را به ما آموخته است که تألیف، ترجمه، یا ترکیب این دو به حوزه موضوعی دانشنامه بستگی دارد. نسبت ترجمه در زمینه‌های علمی و فنی بیشتر و گاه به مراتب بیشتر از تألیف، و نسبت تألیف در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی و هنرها بیشتر و گاه به مراتب بیشتر از ترجمه است. جدا از این نکته کلی، مراعات کردن نسبت متوازن در هر زمینه، به بررسی موردی و مطالعه خاص نیاز دارد.

هم‌اکنون دانشنامه‌های تخصصی فراوانی که به چندین زبان انتشار یافته در دسترس ماست. مقایسه آن‌ها برای انتخاب بهترین مقاله‌ها امکان‌پذیر است. برگزیدن مناسب‌ترین بخش‌های مقاله و تلفیق و ترکیب آن‌ها در ساختاری مطلوب و متناسب با نیاز کاربردی امکان‌پذیر است. تجربه‌های عملی در این خصوص هم نشان داده است که تلفیق و ترکیب مقاله‌ها، اگر به دست دانشنامه‌نگاران چیره‌دست، با تجربه و مسلط به موضوع انجام بگیرد، با هدف و کاربرد دانشنامه در زبان مقصد سازگاری دارد. فعلاً هم از لحاظ حق نشر (کپی‌رایت) غیرداخلی مانعی بر سر این راه نیست و در آینده هم اگر کشور ما روزی به یکی از کنوانسیون‌های حق نشر بپیوندد، مشکل بزرگی پیش نخواهد آمد؛ گو این‌که ترکیب و تلفیق اصولی محتوای مقالات مختلف با مقررات حق نشر مغایرتی ندارد.

تجربه سال‌های اخیر همچنین نشان داده است که در دانشنامه‌های یارانه‌ای، مدیریت نامناسب اگر اصلی‌ترین مشکل نباشد، دست‌کم از جمله مشکلات اصلی است. هر نهادی که یارانه بپردازد، نظرش را هم در باب اداره تشکیلات دانشنامه اعمال می‌کند. انتخاب‌های نامناسب و گم‌ماردن مدیران و مسئولانی که ممکن است در دوره تصدی خود تازه با ظرایف دانشنامه‌نگاری کم‌وبیش آشنا شوند، از تجربه‌های ناگواری است که نمونه‌های متفاوت آن در دانشنامه‌ها و در دوره‌های مختلف دیده شده است.

تجدید نظر در این باره و مشخص کردن ویژگی‌ها و حداقل شرایطی که برای اداره و سرپرستی دانشنامه‌های یارانه‌ای ضرورت دارد، شاید بتواند از بار این مشکل بکاهد.

نشر خصوصی ما توان مالی کافی برای تأمین کردن هزینه‌های آن دسته از منابع مرجعی را ندارد که تفصیلی، زمان‌بر، نیروبر و هزینه‌برند. تدوین و انتشار این‌گونه آثار، یا کمک به آن‌ها در این راه، به همین منابع که به منزله منابع زیرساختی هستند، از وظایف دولت‌هاست؛ همچنان که ایجاد همه زیرساخت‌ها و نیز تدوین سیاست‌های کلان از وظایف اصلی همه دولت‌هاست (در مطلب دیگری در همین کتاب به این نکته اشاره شده است). در هر حال، تدوین و انتشار دانشنامه‌ها و سایر گونه‌های منابع مرجع به تدوین سیاستی کلان و نیز سیاستی راهبردی نیاز دارد. این سیاست، یا بخشی از سیاست فرهنگی، پژوهشی، آموزشی و انتشاراتی کشور است یا با این سیاست‌ها پیوند بسیار نزدیک دارد. تدوین، تصویب و ابلاغ این‌گونه سیاست‌ها، هم چشم‌اندازی برای آینده و هم ستون‌پایه‌ای برای آغاز فعالیت‌های بنیادی است. همین نکته بسیار مهم، شاید هم حیاتی، که کشور ما دانشنامه همگانی روزآمد، جامع و موثقی به زبان فارسی ندارد و چشم‌اندازی هم فعلاً برای آینده آن دیده نمی‌شود، خود نشانه‌ای است به قدر کافی گویا از نداشتن سیاست دانشنامه‌نگاری؛ آن هم در حالتی که نیاز مبرم به داشتن آن احساس می‌شود. در ضمن، برخورداری کشور از توان و امکان علمی، فنی و تخصصی تدوین و انتشار دانشنامه‌ای همگانی، ضرورت چنین سیاستی را تأکید می‌کند.

در بحث‌های این کتاب به جنبه‌های مرتبط دیگری از دانشنامه‌نگاری اشاره شده است. در دو گفتگوی مفصل هم به بسیاری جنبه‌ها پرداخته شده است. شاید تأکید بر نکته دیگری هم لازم باشد، تأکیدی که بارها و بارها و در نوشته‌های مختلف دیده می‌شود: منابع مرجع پایه، از جمله دانشنامه‌ها، به

منزله نمادهایی از هویت ملی و فرهنگی کشورند، در کنار سایر نمادهای هویتی. این منابع بازنمای سطح فرهنگی، تسلط علمی، پژوهشی، روشی، توان فنی و هنری، و نیز گواه مشارکت همهٔ کسانی هستند که در عرصه‌های ملی، علمی و فرهنگی توان تولید و سخنی برای گفتن دارند. کشور ما اکنون در موقعیتی است که می‌تواند تولیدکنندهٔ منابع مرجع و دانشنامه‌هایی باشد که اصول، موازین، معیار، فنون و هنرهای تدوین و ارائه در آنها مراعات شده باشد.

دانشنامه و دانشنامه‌نگاری: اشاره تاریخی

در غرب

کهن‌ترین دانشنامه شناخته شده متعلق به آن عصری از تمدن یونان باستان است که تفکر و دانش‌های نظری غنی شده از مرزهای یونان فراتر رفته و بر تمدن‌ها و فرهنگ‌های دیگر تأثیر گذاشته بود. از تمدن‌های کهنسال دیگر، از جمله تمدن‌های چینی، هندی، رومی، ایران باستان، و تمدن اسلامی دانشنامه‌هایی برجای مانده یا شناخته شده است که همگی به دوره‌های شکوفایی و رشد تمدنی آن‌ها تعلق دارد؛ البته صورت امروزی و شیوه تدوین و تنظیم دانشنامه‌ها با دانشنامه‌های کهن تفاوت کرده است، اما اصلی‌ترین هدف تدوین گونه‌های مختلف دانشنامه‌ها در آن‌ها هم دیده می‌شود، از جمله: گرد آوردن، سازمان دادن، روشمند کردن، و در دسترس قرار دادن همه دانسته‌ها و یافته‌های موجود درباره زمینه‌ای بخصوص، چه عمومی و چه تخصصی، به‌ویژه برای کسانی که می‌خواهند نخستین گام را در راه دست یافتن به اطلاعات قابل اعتماد یا پژوهش کردن بردارند.

تحول بنیادی‌تر در شیوه، محتوا، و نیز هدف دانشنامه‌نگاری به دنبال پیامدهای عصر نوزایی (رُنسانس) و پس از گذشتن چند سده، در سده ۱۸م در دنیای غرب رخ داد، آن هم در کشورهایی که استعداد و آمادگی

بیشتری برای پذیرش تغییر و تحولات عصر جدید داشتند. سده ۱۸ م عصر خردورزی و روشنگری بود. نویسندگان و خوانندگان جدیدی به عرصه آمده بودند که با نگاه دیگری به عالم و آدم می‌نگریستند. چالش با باورهایی که خرد، منطق و دانش آن دوره آن‌ها را نمی‌پذیرفت، و تلاش در راه دست یافتن به نگرش دیگری در پرتو یافته‌ها و دانسته‌های جدید، ضرورتی بود که پیشروان فکری و به‌ویژه دگراندیشان آن را عمیق‌تر حس می‌کردند، نه عالمان رسمی یا استادان دانشگاه‌های آن زمان.

در سده ۱۹ م، به‌ویژه پس از انقلاب صنعتی، که دامنه فعالیت‌های علمی و پژوهشی وسعت گرفت و تراکم اطلاعات در بسیاری رشته‌ها به بار آمد، تدوین دانشنامه‌های تخصصی در حوزه‌های مختلف دانش هم ضرورت یافت. دانسته‌ها و یافته‌های مترکم به راه و روش‌ها و ابزارهایی نیاز داشت که دسترسی سریع‌تر و سهل‌تر به آن‌ها را ممکن کند و سرعت ببخشد. پیدایش و گسترش مطالعات در همه زمینه‌های علمی و فرهنگی، انگیزه تدوین منابع مرجع و دانشنامه‌های تخصصی را شدت بخشید. مانند همین روزگار ما که حجم و تنوع فزاینده اطلاعات به صورت تصاعدی و با رشد نمایی راهجویی‌های تازه‌ای را ایجاب می‌کند. جلوه‌هایی از این‌ها را در تدبیرهایی می‌بینیم که یکی از آن‌ها دانشنامه‌های اینترنتی است.

در ایران

پیش از انقلاب

در عصر قاجار شماری از رجال و اهل علم کشور با دانشنامه‌های جدید فرنگی کم‌وبیش آشنایی یافته بودند. می‌گویند عباس میرزا نایب‌السلطنه (۱۲۰۳-۱۲۴۹ق) نسخه‌ای از دانشنامه بریتانیکا در اختیار داشته و برای تصویرها و مطالب فنی، که به‌ویژه به آن‌ها علاقه نشان می‌داده، با مقدار اندک اطلاعاتی که از زبان انگلیسی داشته به آن دانشنامه مراجعه می‌کرده و

بیشتر مطالب فنی و نظامی آن را می‌دیده است. حتی چند مقاله از همان دانشنامه در همان دوره او به زبان فارسی ترجمه شده است.^(۱)

حاج میرزا آقاسی، صدراعظم محمدشاه قاجار، زمانی که سفیری را به فرانسه فرستادند، به او دستور داد کتاب‌هایی را بر پایه صورتی که تهیه شده بود، در پاریس بخرد و به ایران بفرستد. در میان این کتاب‌ها دو دانشنامه و چند فرهنگ عمومی و تخصصی هم بوده است.^(۲) میرزا تقی‌خان امیرکبیر در دوره صدارتش (۱۲۶۴-۱۲۶۷ق) دستور داده بود منابع مرجع پایه و مهم را از خارج سفارش بدهند و تا جایی که می‌توانند آن‌ها را به فارسی ترجمه کنند.^(۳)

در دارالترجمه ناصری، اعتمادالسلطنه و مترجمان عمده آن نهاد با بعضی دانشنامه‌های فرنگی آشنایی داشتند.^(۴) نامه دانشوران، اثری دانشنامه‌وار، به سرپرستی علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه (۱۲۳۴-۱۲۹۸ق)، به ترتیب الفبایی در ۷ مجلد، به صورت ناقص در عصر ناصری و مظفری انتشار یافت. این اثر نخستین فعالیت دانشنامه‌نگارانه به سبک جدید در ایران به شمار می‌آید. مجلد نخست در سال ۱۲۹۶ق و آخرین مجلد آن پس از حدود ۲۸ سال در ۱۳۲۴ق انتشار یافت. بقیه مجلدات تدوین شده به صورت دستنوشته باقی ماند و بحران‌های گسترده سال‌های پایانی حکومت قاجارها مجالی برای انتشار سایر مجلدات باقی نگذاشت.^(۵)

تأسیس مدرسه دارالفنون و مدرسه علوم سیاسی و یکی دو مدرسه عالی دیگر در عصر قاجار، و نیز اعزام شماری از محصلان به اروپا برای تحصیلات عالی و بازگشت آن‌ها به کشور، از موجبات دیگر آشنایی با منابع فرنگ و دانشنامه‌های همگانی و تخصصی بود. شماری از تحصیل‌کردگان فرنگ با تخصص‌های مختلف، منابع دانشنامه‌ای در اختیار داشتند و از آن‌ها استفاده می‌کردند. در واقع آشنایی با این‌گونه منابع و نیاز به داشتن آن‌ها در جامعه بود، اما اوضاع نابسامان اقتصادی دوره‌های آخر قاجار به تدوین و انتشار دانشنامه امکان نمی‌داد.

در عصر پهلوی اول (۱۳۰۴-۱۳۲۰ش) و در عصر پهلوی دوم (۱۳۲۰-۱۳۵۷ش) کوشش‌هایی برای تدوین دانشنامه‌های همگانی و تخصصی آغاز شد، از جمله کوششی که از سال ۱۳۲۷ زیر نظر سیدحسن تقی‌زاده برای ترجمه دانشنامه اسلام، چاپ لایدن هلند، به کار رفت. تقی‌زاده سال‌ها در خارج از کشور به سر برده و با روندها و محفل‌های خاورشناسی و ایران‌شناسی آشنا شده بود. او از نخستین کسانی به شمار می‌رفت که پی برد عده بسیاری از خاورشناسان برجسته با دانشنامه اسلام همکاری کرده‌اند، اما حق ایران و فرهنگ و تمدن ایرانی، آن‌گونه که سزاوار است، در مقایسه با جایگاه سایر کشورهای اسلامی، ادا نشده است. تقی‌زاده قصد داشت با ترجمه و تکمیل این دانشنامه این حق ادانشده را به جا آورد، اما بر اثر کارشکنی‌ها، حقد و حسد‌ها، رقابت‌های کور و مانع‌های دیگری که بر سر راه او و همکاران باصلاحیتش گذاشتند، مانع‌هایی که همگی از نادانی، کوتاه‌بینی، خودبینی و تحمل نکردن دستاوردهای دیگران سرچشمه می‌گرفت، در همان مراحل نخستین کار متوقف شد.^(۶)

لغت‌نامه، نیز معروف به لغت‌نامه دهخدا، تدوینش از جستجوها و به کوشش شخصی علی‌اکبر دهخدا (۱۲۵۸-۱۳۳۴ش) آغاز شد. این اثر آمیزه‌ای است از واژه‌نامه‌ای تفصیلی و دانشنامه‌ای همگانی که پس از چند کوشش ناموفق، یک مجلد آن در پی زحمات بسیار در سال ۱۳۱۹ش انتشار یافت. سرانجام نهادی با نام مؤسسه لغت‌نامه دهخدا آغاز به کار کرد و مسئولیت ادامه تدوین و اتمام آن اثر را بر عهده گرفت.^(۷) بخش دانشنامه‌ای لغت‌نامه با معیارهای شناخته‌شده دانشنامه‌نگاری سازگاری نداشت و حتی از ساختار و منطق درونی یکسان و هماهنگی که خودش اختیار کرده باشد پیروی نکرد. اگر روزی بخش دانشنامه‌ای این اثر استخراج و به صورت جداگانه مدون شود، بازآرایی و بازنگاری آن بر پایه معیارهای دانشنامه‌نگاری ضرورت خواهد داشت (برای تفصیل بیشتر در این باره، نک: فصل ۵ در همین کتاب).

ایران‌شهر با تصویب کمیسیون ملی یونسکو در ایران در سال ۱۳۳۴ ش، قرار بود منبعی مرجع درباره تاریخ، فرهنگ، تمدن، اوضاع گذشته و حال ایران باشد که نخست به زبان فارسی و سپس به یکی از زبان‌های خارجی تدوین شود. شاه ایران این تصمیم را تأیید کرد و به وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی و وابسته به دولت دستور داده شد که برای تدوین ایران‌شهر هر گونه کمکی که لازم است در اختیار بگذارند. شماری از ایران‌شناسان داخلی و خارجی به همکاری دعوت شدند. سرجمع نویسندگان ایرانی که مقاله‌هایشان در دو مجلد ایران‌شهر چاپ شده است ۳۳ تن، و سرجمع نویسندگان خارجی ۷ تن است. در مجموع از ۴۰ مؤلف در ایران‌شهر مقاله چاپ شده است،^(۸) اما حاصل کار نه دانشنامه از کار درآمد، نه اثری دانشنامه‌وار، نه منبع مرجعی که امروز بتواند محل استناد منابع پژوهشی باشد (برای توضیح بیشتر، نک: فصل ۶ در همین کتاب).

دایرةالمعارف فارسی، دانشنامه‌ای همگانی، تدوینش از حدود نیمه دهه ۱۳۳۰ ش به ابتکار و پیشنهاد همایون صنعتی‌زاده، مدیر مؤسسه انتشارات فرانکلین، آغاز شد و پس از حدود ۱۰ سال نخستین مجلد آن از حرف الف تا سین انتشار یافت. سرپرستی این دانشنامه با غلامحسین مصاحب بود. این اثر سرانجام در ۳ مجلد، با بیش از ۴۰ هزار مقاله، بخشی ترجمه، ترجمه و تلخیص، ترجمه همراه با تکمله، و بخشی تألیف کامل و گاه تألیف مبتنی بر پژوهش بار نخست، در فاصله زمانی تقریباً ۳۰ ساله، از ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۴ انتشار یافت. جلد یکم دایرةالمعارف فارسی از دقت علمی و وسواس پژوهشی بی‌مانندی در ایران برخوردار است. همین مجلد به‌تنهایی شالوده‌ای را پی ریخت و سنتی را برجا گذاشت که مسیر دانشنامه‌نگاری جدید، جدی و دقیق را در ایران تعیین کرد.^(۹) به‌رغم نایکدستی در مجلدات سه‌گانه این دانشنامه، که به سبب نیمه‌کار ماندن وظیفه سرویراستاری مصاحب بر اثر جهل مدیران تصمیم‌گیرنده و تأمین‌کننده منابع مالی دانشنامه بود، دایرةالمعارف فارسی هنوز هم اثری

الهام‌بخش، درس‌آموز و بی‌همتا در زبان فارسی است (برای تفصیل بیشتر دربارهٔ این اثر، نک: فصل ۵ در همین کتاب).

دانشنامهٔ ایران و اسلام از طرح‌های بنگاه ترجمه و نشر کتاب به سرپرستی احسان یارشاطر و در ادامهٔ کوشش نافرجام سیدحسن تقی‌زاده و همکاران او در ترجمهٔ دانشنامهٔ اسلام بود. در شماری از کشورهای اسلامی به ترجمهٔ دانشنامهٔ اسلام به زبان‌های بومی خود دست زدند، که از میان آن‌ها ترک‌ها در ترکیه و پاکستانی‌ها موفق شده بودند این دانشنامه را به زبان‌های ترکی استانبولی و اردو ترجمه و منتشر کنند و حتی در موارد لازم بر ترجمه‌ها تکمله‌هایی هم بیفزایند. احسان یارشاطر، با تسلطی که به زبان‌های ایران باستان، فرهنگ و تمدن ایران پیش از اسلام، ادبیات کهن فارسی، فرهنگ و تمدن دورهٔ اسلامی، و نیز آشنایی با روش‌های پژوهشی جدید و دانشنامه‌های غربی داشت، کوشید دانشنامهٔ اسلام به گونهٔ مناسبی به فارسی ترجمه و تلفیق شود و در عین حال حق مطالب مربوط به ایران، فرهنگ ایرانی در دورهٔ اسلامی و تشیع تا جایی که قالب دانشنامه اجازه می‌دهد، درست ادا شود و اطلاعات ناقص یا نادرست دانشنامهٔ اسلام را در این زمینه‌ها تصحیح کنند. او و همکارانش با توجه به تجربه‌های گذشته و کامیابی‌ها و ناکامی‌ها، تا جای ممکن همهٔ جوانب کار را در نظر گرفتند.

نخستین دفتر دانشنامهٔ ایران و اسلام پس از چند سال کوشش و با همکاری شماری از برجسته‌ترین مترجمان، مؤلفان و ویراستاران کشور در سال ۱۳۵۴ ش انتشار یافت و جمعاً ۱۱ دفتر در حرف «الف» تا اوایل سال‌های انقلاب به تدریج منتشر شد، اما انحلال بنیاد پهلوی، که تشکیلات این دانشنامه به آن وابسته بود، موجب توقف انتشار این دانشنامه شد. با این حال، همان چند دفتر انتشار یافته، به لحاظ ارزش‌های پژوهشی و دانشنامه‌ای، شماری مقاله‌های خوش‌تألیف، ترجمه‌های به‌خوبی ویراسته و دقت‌ها و انضباط‌های لازم که به کار رفته بود، بر روند دانشنامه‌نگاری ایران

در دوره پس از انقلاب تأثیر گذاشت.^(۱۰) با این حال، این کوشش هم نافرجام ماند (برای توضیح بیشتر، نک: فصل ۵ در همین کتاب).

پس از انقلاب

دانشنامه‌نگاری و انتشار دانشنامه پس از انقلاب به دور تازه‌ای راه یافت. تدوین، ترجمه و انتشار شمار فراوانی دانشنامه، اعم از همگانی و تخصصی، که شمار کمی از آن‌ها سازمان و تشکیلاتی را پشتوانه داشتند و شمار بسیاری دیگر به فرد یا افراد متکی بودند، و نیز تدوین و انتشار چندین فرهنگ دانشنامه‌وار، بعد از انقلاب ۱۳۵۷ و به‌ویژه از دهه ۱۳۶۰ آغاز شد. شاید بیش از ۲,۰۰۰ تن به صورت‌های مختلف از اوایل دهه ۱۳۶۰ تا پایان دهه ۱۳۸۰ ش با این دانشنامه‌ها و فرهنگ‌های دانشنامه‌وار و فرهنگ‌واره‌ها همکاری داشته‌اند که به سهم خود رقم بی‌سابقه‌ای در ایران و در کشورهای هم‌تراز است.

از میان مؤلفان دانشنامه‌نگار دست‌کم حدود ۵ درصد، یا اندکی کم‌وبیش، تا بدان حد به فنون و شگردهای دانشنامه‌نگاری دست یافته‌اند که اگر به منابع لازم و کافی دسترسی داشته باشند، می‌توانند در مقام دانشنامه‌نگار حرفه‌ای با دانشنامه‌های مختلف همکاری کنند. در واقع می‌توان گفت که طی همان دهه‌ها فنون و ظرایف دانشنامه‌نگاری در ایران بومی شد. افزون بر این، با مبانی تدوین منابع مرجع هم آشنایی لازم به دست آمد. نگاهی به صورت الفبایی شماری از دانشنامه‌های انتشار یافته و در دست انتشار نشان می‌دهد که موج دانشنامه‌نگاری در ایران بی‌سابقه بوده است. هیچ‌یک از کشورهای همپایه ایران را از جنبه فرهنگی نمی‌توان شاهد آورد که در مدت نسبتاً کوتاهی به تدوین و انتشار این همه دانشنامه دست زده باشند. این تفاوت را در عامل‌های زیر باید جستجو کرد:

— آرمان‌گرایی ناشی از انگیزه‌های انقلاب و بازنگری در مبانی ارزش‌ها؛

- میل به استقلال و پیشرفت در همهٔ زمینه‌ها، و به‌ویژه در عرصه‌های علمی و فنی و پژوهشی؛
- توسعه‌خواهی و غلبه بر عامل‌های توسعه‌نیافتگی؛
- دست یافتن به استقلال علمی و فکری؛
- احساس‌های رقابت‌جویانه و برابری‌خواه، به‌ویژه با کشورهای مشابه؛
- احراز هویت ملی؛
- و نیز با توجه به اوضاع و احوال کشور، از جمله: انقلاب فرهنگی، تعطیل شدن دانشگاه‌ها، بیکار شدن شماری از استادان، پژوهشگران، مؤلفان، مترجمان و ویراستاران و جذب شدن شماری از این‌ها در فعالیت دانشنامه‌نگاری؛
- به کار گرفتن نیروهای توانای بیکار شده و میل شدید در عده‌ای که توانایی علمی-پژوهشی آن‌ها در محیط‌های دانشگاهی، پژوهشگاهی و آموزشی نادیده گرفته شده بود؛
- اعطای یارانه‌های دولتی به شماری از دانشنامه‌های همسو با سیاست‌های فرهنگی کشور و امکانی که دانشنامه‌ها تا مدتی برای جذب کردن شماری از نخبگان به همکاری داشتند.

از همان سال‌هایی که اشاره شد، مراحل تدوین و انتشار دانشنامه‌ها آغاز شد. از این دانشنامه‌ها برای نمونه می‌توان نام برد که شماری انتشار کامل و ناتمام داشته‌اند و شماری دیگر در مراحل مختلف تدوین و انتشار هستند: دانشنامهٔ ادب فارسی، دانشنامهٔ ادبیات جهان، دانشنامهٔ اقوام مسلمان، دانشنامهٔ ایران، دانشنامهٔ ایرانیان ارمنی، دانشنامهٔ پزشکی، دانشنامهٔ تاریخی فارس، دانشنامهٔ تهران بزرگ، دانشنامهٔ جهان اسلام، دانشنامهٔ حقوق، دانشنامهٔ خلیج فارس، دانشنامهٔ دانش‌گستر، دانشنامهٔ ریاضی، دانشنامهٔ زبان و ادب فارسی، دانشنامهٔ زبان و ادب فارسی در شبه‌قاره [هند]، دانشنامهٔ زنان، دانشنامهٔ سیاسی، دانشنامهٔ شمیرانات، دانشنامهٔ طبرستان و مازندران، دانشنامهٔ فرهنگ مردم ایران، دانشنامهٔ کاشان، دانشنامهٔ

گرگان، دانشنامه مزدیسنا، دانشنامه مطبوعات ایران، دایرةالمعارف آستان قدس رضوی، دایرةالمعارف آموزش عالی، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، دایرةالمعارف پزشکی اسلام و ایران، دایرةالمعارف تشیع، دایرةالمعارف تطبیقی علوم اجتماعی، دایرةالمعارف سازه‌های ایرانی، دایرةالمعارف علوم اجتماعی، دایرةالمعارف قرآن، دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی، دایرةالمعارف جهان نوبن اسلام، فرهنگنامه کودکان و نوجوانان، فرهنگنامه ناموران معاصر ایران و چندین و چند دانشنامه همگانی و تخصصی دیگر.

دانشنامه دانش‌گستر از سوی مؤسسه علمی-فرهنگی دانش‌گستر، متعلق به خانواده سودآور، در ۱۸ مجلد (از الف تا ی) و به عنوان دومین دانشنامه کامل شده به زبان فارسی پس از دایرةالمعارف فارسی مصاحب، در سال ۱۳۸۹ ش انتشار یافت، اثری مشتمل بر حدود ۶۰ درصد ترجمه از دانشنامه‌ای مختصر به زبان انگلیسی و ۴۰ درصد تألیف مقاله‌های کوتاه‌حجم. گردانندگان این اثر قصد داشتند آن را به دانشنامه‌ای همگانی، پرکاربرد و برای استفاده‌ی عموم تبدیل کنند.^(۱۱) در باب ارزش محتوایی این دانشنامه نکته‌هایی هست که جداگانه باید به آن پرداخت.

افزون بر دانشنامه‌های همگانی و تخصصی در مراحل مختلف تدوین و انتشار، تدوین دانشنامه‌های استانی و منطقه‌ای هم به‌ویژه مد نظر آن دسته از پژوهشگران و اهل علم و ادب و فرهنگ قرار گرفته است که اطلاعات موجود درباره‌ی زادبوم خود را ناکافی، ناقص، نارسا، و گاه نادرست تشخیص داده‌اند؛ در حالی که فرهنگ ملی واقعی از ترکیب درست فرهنگ‌های محلی و بومی شکل می‌گیرد. تا جایی که نگارنده اطلاع مستقیم دارد و با او مشورت می‌شود، همه‌ی استان‌های کشور در مراحل مختلف تدوین و انتشار دانشنامه‌های استانی و ولایتی هستند.

حرکتی که شاید بتوان با عنوان «جنبش دانشنامه‌نگاری در ایران» از آن یاد کرد، از دهه‌ی ۱۳۶۰ آغاز شد، در دهه‌ی ۱۳۷۰ به اوج خود رسید، و از

دهه ۱۳۸۰ منحنی صعودی آن به سبب چند علت به شیب نزولی تبدیل شد، از جمله:

- کاسته شدن از انگیزه‌هایی که با آرمان‌گرایی سال‌های نخستین پیوستگی داشت؛
- قطع شدن و کاهش یافتن کمک‌های بلاعوض دولتی؛
- کاسته شدن محسوس از همکاری دانشگاهیانی که اهل پژوهش، اهل قلم و به همکاری با منابع مرجع راغب بودند؛
- کاسته شدن از انگیزه‌های پژوهشی در میان کسانی که به دانشنامه‌نگاری روی می‌آوردند؛
- رکود اقتصاد نشر و دور شدن سرمایه‌ها از صنعت نشر که مانع از سرمایه‌گذاری ناشران در زمینه تدوین و انتشار دانشنامه‌ها و سایر منابع مرجع است؛
- گرایش به پخته‌خواری و آماده‌خواری که به‌سان آفتی تهدیدگر، یا بهتر است بگوییم همچون موریانه، بنیادهای کنجکاوی، دانش‌طلبی، میل به آموختن و ارتقای فکری و علمی را می‌خورد، با استفاده از اندکی زبان خارجی، گوگل کردن و چپاول محتوای پدیا‌های مختلف که نتیجه آن جریان ضدآفرینش منابع مرجع است؛
- نبودن سیاست‌های کلان در سطح ملی برای صیانت از و تقویت کردن جریان تدوین و انتشار منابع مرجع؛
- بی‌توجهی به این‌که تخصص‌ها و مهارت‌های دانشنامه‌ای به سرعت قابل تبدیل و استفاده در انواع منابع مرجع است. همین بی‌توجهی موجب می‌شود وقت و سرمایه فراوانی که در راه این تخصص‌ها و مهارت‌ها صرف شده است بر باد رود؛
- رفتار منفعلانه در قبال از دست رفتن سنتی که ارزشیابی بهای سنگین آن کار دشواری نیست.

روند دانشنامه‌نگاری در ایران، اگرچه به سبب دشواری‌های اقتصادی